



خانم ناصرینا صاحب یک شرکت ساخت و فروش ساختمانی بزرگ است. خانم ناصرینا در ساخت و ساز و طراحی در کار خودش حرفه ای بود او در ساخت پروژه های ساختمانی خودش علاوه بر طراحی زیبا و استفاده از تجهیزات مدرن و با کیفیت مثل سرامیک، سنگ چوب و مبلمان از بهترین تیمهای طراحی در کارش استفاده میکرد. اما هرچند او زن موفقی در کار خودش بود اما در پایان هر پروژه ای احساس رضایت نمیکرد. همچنین او فهمید که بسیاری از شرکتهای رغیب بیشتر از او ساختمان می فروشند. او هر روز در خصوص یک راه حل عجیب و جادویی که بتواند فروش او را بیش از رقیبان کند فکر می کرد اما بعد از یک ماه هنوز او قادر نبود که راه حل عالی پیدا کند.

یک روز وقتی او در یکی از خیابانهای شلوغ تهران رانندگی می کرد او آنگهی را دید که درباره اجرای ساختمانهای هوشمند توسط Smart-HDL تبلیغ می کرد. او خیلی مشتاق بود که درباره این تکنولوژی که دیده بوداطلاعاتی بدست بیاورد.



و او در تعجب بود که آیا این راه حل جادویی اوست؟!



خانم ناصرینا به شرکت Smart HDL رفت و او بسیار از این سیستم که به او پیشنهاد شده بود استقبال کرد و او قرارداد اجرای اولین ساختمان هوشمند با تجهیزات Smart HDL را امضاء کرد.

نتایج این کار بسیار شگفت انگیز بود در طول کار مصرف کابلها بسیار کمتر بود برخلاف آنکه او فکر می کرد در این سیستم کابل زیادتری مصرف می کند همچنین او متوجه شد در این سیستم علاوه بر اینکه کابل کمتری مصرف می شود در هر مکانی برای نصب کلیدها فقط استفاده از یک قطبی و یک لوله برای سیستم روشنایی، سیستم سرمایشی و گرمایشی، سیستم امنیتی و سیستم صوتی مرکزی کافی است علاوه بر اینکه هزینه کارگر و زمان نصب هم پایین تر می آید.



همچنین نتایج استفاده از این سیستم بعد از پایان پروژه شگفت انگیز بود، کلیدهای بسیار لوکس این سیستم و سیستمهای هوشمند روشنایی که چراغها را به صورت خودکار خاموش و روشن می کردند، همچنین سیستم صوتی مرکزی بسیار جالب بود، سیستم کنترل توسط SMS و همچنین صفحه کنترل مرکزی Touch Screen نصب شده

برای هر واحد ارزش خاصی را به پروژه می داد، علاوه بر اینکه به ارزش پروژه اضافه می کرد. خانم ناصرینا توانست به راحتی ۲۰ واحد ساختمانی را در عرض ۲ ماه به فروش برساند علاوه بر آنکه توانست قیمت هر واحد را بالاتر ببرد و هزینه و موارد مصرفی را پایین نگه دارد، و فروش بسیار خوبی داشته باشد.



من فکر می کردم منظور از سیستمهای هوشمند، سیستمهای اعلام حریق، ایفون، دزدگیر و دوربین است اما حالا می فهمم که تکنولوژی Smart HDL روش زندگی مردم را تغییر می دهد دقیقاً مثل تغییر زندگی شخصی من و روش فروش در کار من. " این سخنان خانم ناصرینا بود."



SMART-BUS

Lighting and Dimming
Safety and Security
Heating Ventilation and Air-Conditioning
Entertainment
Shades and Curtains
Motorization
Hotelier
Energy Saving



SMART-HDL[®]
Smart High Definition Living

تجهيزات مولدورها

کنترل برده های برای برده
بروزگنبر و صفحه ها

A



پنل دم حرب

رنگ در، شماره اطاق
کارت خواننده اعلام سرویس اطاق
اعلام نیاز به خشکشویی،
مراحم آشپزخانه

B



پنل کنترل اطاق

کنترل روشنایی، موزیک
ریمو، سیستم تهویه
مطبخ، لوله‌کشی از روی تخت

C



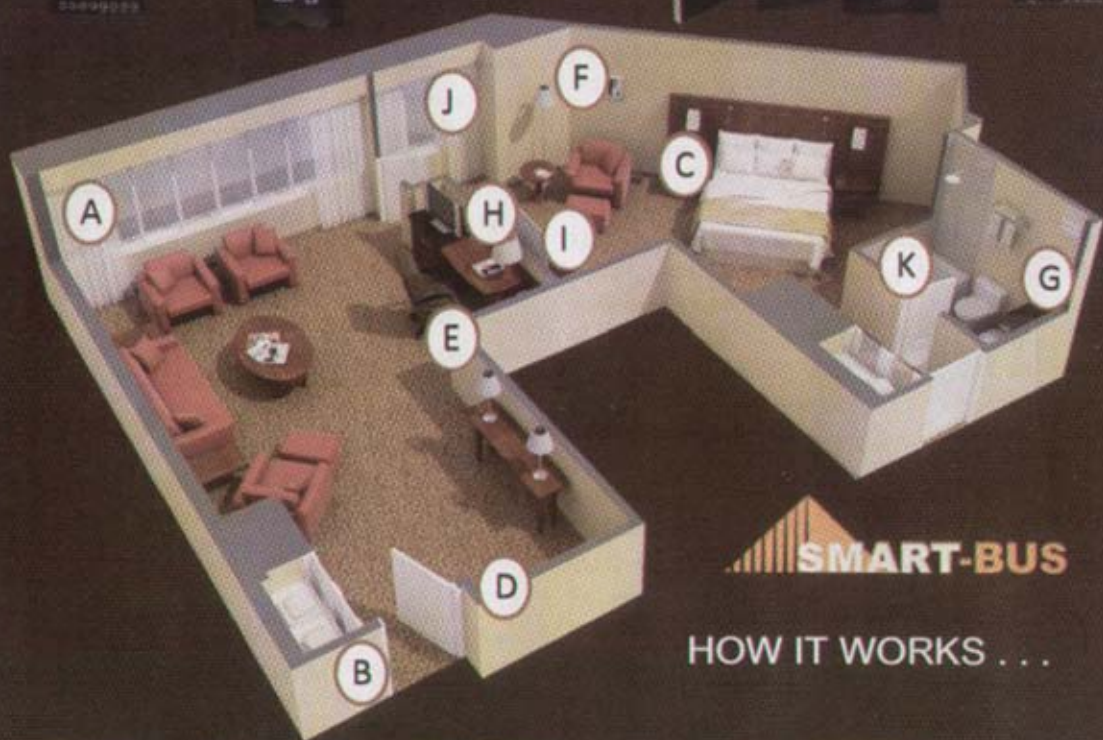
کارت کنترل اطاق D

کنترل برنامه روزی شده اطاق
با توجه به اعلام نیاز مشتری



سیستم تهویه مرکزی E

کنترل سیستم تهویه اطاق

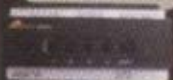


SMART-BUS

HOW IT WORKS . . .

F روشنایی ها

کنترل روشنایی ها
با قابلیت نیم شدن،
در اطاق و مناطق سرویسها



G آپرها

کنترل سرویس و روشن
کردن وسایل برای



سنبورها

برای سرده جویی انرژی
و کنترل هوشمند



سرگرمی

کنترل سیستم صوتی ها
انتخاب رنگ برده اعلام،
از سیستم مرکزی



J امنیت

مگنت درب و پنجره ها
برای امنیت در برابر
قره دزدانه



K زیبایی

لذت استفاده از حمام
با امکاناتی لذتبخش برای
مخصوص حمامها
و آینه های ضد بخار





خانواده آقای فردوسی مثل اغلب خانواده های ایرانی شامل ۵ نفر می باشند که در یک آپارتمان زندگی می کنند. همچنین آنها خانواده ای خوشحال هستند اما مشکلاتی هم در آپارتمانشان بود که بر روی زندگیشان اثر می گذاشت. مادر خانواده در طول روز نگران پسر کوچک ۲ ساله شان بهزاد بود. او مثل تمام مادرهای دنیا نمی توانست با خیال راحت بهزاد را تنها بگذارد چون نگران است که با پریزهای برق که در همه جای آپارتمان و در ارتفاع پایین هستند بازی کنند مشکل مهم دیگر خانواده در خصوص سلامتی شان بود به خصوص در مورد دختر ۸ ساله شان بهاره، او معمولاً مریض می شد بخاطر اینکه سیستم سرمایشی و گرمایشی آنها قدیمی بود، هر روز صبح بهاره از سرما می لرزید و احساس سرماخوردگی داشت و قادر نبود به مدرسه برود و داستان با مشکلات پسر بزرگ خانواده حمید تمام می شد.



او در سن ۱۳ سالگی بود و به اقتضای سنش دوستان زیادی داشت که به خانه آنها می آمدند. او به هر طریقی بی دقتی می کرد همیشه فراموش می کرد چراغ اطاقش را خاموش کند، معمولاً چراغ دستشویی را تا صبح روشن می گذاشت، درب خانه را فراموش می کرد ببندد و معمولاً کلید خانه را گم می کرد. حمید و مادرش هر روز با هم بخاطر حواس پرتی او دعوا داشتند و این مشکلات بر روی خانواده تاثیر منفی داشت. آقای فردوسی بهترین تصمیم زندگیش را گرفت و تصمیم گرفت به خانه ای نقل مکان کند که سیستم های هوشمند در آن استفاده شده باشد. خانه هوشمند تمام مشکلات خانواده را حل کرد و راه حل ها و امکانات بیشتری را به همه اعضای خانواده داد. با استفاده از کلید هوشمند روشنایی (DLP) مادر خانواده توانست با فشار یک کلید به برنامه Safe Mode رفته و تمام پریزهای برق را از مدار خارج کند و بهزاد می تواند به راحتی بازی کند زمانی که مادرش در آشپزخانه است بدون آنکه نگران بهزاد باشد.



سیستم هوشمند کنترل سرمایش و گرمایش توانست از دختر کوچک خانواده بهاره مراقبت کند و او حالا مطمئن هست که سیستم به مسورت خود کار درجه حرارت اطاق را در اول صبح افزایش میدهد تا او احساس سرما نکند. سنسور هوشمند مشکل بین حمید و مادرش را حل کرد سنسورهای نصب شده به طور خودکار چراغها را در زمانی که کسی در اطاق حمید نیست خاموش میکنند، همچنین



کلید چراغهای دستشویی و جاهای دیگر آپارتمان را.

مادر حمید حالا خوشحال و راحت است چون دیگر نیاز نیست نگران پسر بی دقتش باشد که کلید خانه را گم کرده یا فراموش کرده همراه خود ببرد بعد از اینکه سیستم کدینگ قفل درب با کد مخفی درب آپارتمانشان نصب شد. حالا تمام خانواده خوشحال و راحت هستند چونکه تمام مشکلاتشان حل شده و پدر خانواده خوشحال است.

چونکه می بیند تمام خانواده خوشحال هستند علاوه قبض برق خانه هم کمتر شده است با صرفه جویی انرژی در سیستمهای روشنایی، سرمایشی و گرمایشی، همچنین سیستم امنیتی از دزدی آپارتمان جلوگیری می کند. علاوه اینکه سیستم صوتی هوشمند و بسیاری دیگر از امکانات دیگر سیستمهای هوشمند به زندگی آنها اضافه شده است.

